

**Identifying Issues Model in the Policy-Making Process of Public Sector
Cultural Organizations, Case study: Isfahan Municipality's Cultural, Social
and Sports Organization**

Mohammad Vahid Safi Esfahani*
Mohammadreza Atarodi**
Mohammadsadeq Nasrollahi***

Received: 07/08/2021
Accepted: 08/11/2021

Abstract

The problem is the difference between the current situation and the desired one. However, basically what happens when we are confronted with a phenomenon that we call "problem"? What happens when we look at something that creates a spark in our mind while it has not been the same for another person who is looking at the same thing? What creates problematic sparks in minds is "theory." Every cultural theory has a key criterion called the desired situation, and what directly or indirectly prevents the realization of this desirable situation would be called a "cultural problem." Therefore, it is desirable to determine what is problem and what is not problem. Examining the problem-solving model in any society reveals the way of looking at issues in a system based on a specific cultural theory. The study of the scientific literature of the (our) country shows the lack of theoretical studies and at the same time observes the practice and reality in the field of cultural issues that are focused on the cultural realities of Iranian society. This case study, by case study of one of the cultural organizations of the public sector of the country, and using the thematic analysis method, has proposed an example of the conceptual model of problematics. This three-dimensional model shows how the view of cultural issues is formed by this cultural organization. Also, a five-dimensional management conceptual model was drawn, which studies showed that all cultural issues in this organization follows these five aspects.

Keywords: Identifying Cultural Issue, Cultural Organizations, Problematics, Policy Making of Culture, Cultural Policy.

*. PhD Student of Culture and Communication, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

**.. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Islamic Studies and Public Administration, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

***. Associate Professor, Department of Culture and Government, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

الگوی تعیین مسائل در فرایند خط‌مشی‌گذاری سازمان‌های فرهنگی بخش عمومی مطالعه موردی: سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان

محمدوحید صافی اصفهانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

محمدرضا عطاردی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

محمدصادق نصراللهی***

چکیده

بررسی الگوی مسئله‌شناسی در هر جامعه، بیانگر نوع نگاه به مسائل در یک نظام مبتنی بر نظریه فرهنگی خاص است. پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که در جمهوری اسلامی ایران چه الگو یا مدل‌هایی برای شناخت مسائل در حوزه فرهنگ وجود دارد؟. مطالعه ادبیات علمی کشور، فقدان بررسی‌های نظری و ناظر به عمل و واقعیت را در زمینه مسئله‌شناسی فرهنگی نشان می‌دهد و موضوع و رخدادهای فرهنگی بیش از آنکه از دریچه الگوی دقیقی رد شود و به مسئله فرهنگی تبدیل شود، از دالان برداشت‌ها و علایق شخصی فرد خط‌مشی‌گذار می‌گذرد و شکل مسئله فرهنگی به خود می‌گیرد. بدین منظور، این تحقیق با مطالعه موردی سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان به‌عنوان یکی از سازمان‌های فرهنگی بخش عمومی کشور و با استفاده از روش تحلیل مضمون، نمونه‌ای از الگوی مفهومی مسئله‌شناسی را پیشنهاد داده است. این الگوی سه‌وجهی نشان می‌دهد در این سازمان نوع نگاه به مسائل فرهنگی چگونه شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مسئله‌شناسی فرهنگی، سازمان‌های فرهنگی، مسئله‌شناسی، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی.

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق

علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) safivahid@gmail.com

** استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دولتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

atarodi@isu.ac.ir

*** دانشیار گروه فرهنگ و دولت، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام،

تهران، ایران m.nasrollahi@isu.ac.ir

مقدمه

در شرایط حاضر، نظام جمهوری اسلامی در دورانی قرار گرفته است که در آن صحبت از جهانی‌سازی و دهکده جهانی بحثی رایج و مورد وفاق است و تأثیرات فرهنگی جوامع بر یکدیگر را در ابعاد گوناگون شاهد هستیم. در این راستا، سازمان‌های فرهنگی و سازمان‌ها و نهادهای غیرفرهنگی به اشکال گوناگونی با این مسئله درگیر هستند. به‌نوعی باید گفت جهانی‌شدن در تمام افق‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران اثرگذار بوده است. در مقابله با این پدیده، سیاست‌ها و تصمیم‌هایی گرفته شده است که استعاره‌ها، تشبیه‌ها، تمثیل‌ها، کنایه‌ها و به‌طورکلی زبان و گفتمان خاصی را به وجود آورده است. برای مثال: رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر برای توصیف و تبیین وضع موجود مفاهیمی مانند تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، جنگ نرم یا حتی مفاهیم عمومی‌تر مانند فرهنگ‌سازی، فرهنگ عمومی، سبک زندگی، نفوذ فرهنگی و غیره را به کار برده‌اند.

از نظر فرایند سیاست‌گذاری، می‌توان سازمان‌ها را متناسب با سه مرحله از این فرایند یعنی سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت در سه دسته سازمان‌های سیاست‌گذار، سازمان‌های مجری و سازمان‌های ناظر قرار داد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۷: ۲۲۵). یکی از چالش‌های پیش رو در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی ایران معاصر، نداشتن الگو و فرمول منطقی و واقع‌گرا در مسئله‌شناسی فرهنگی در هر سه دسته این سازمان‌هاست. بسیاری از مسائل فرهنگی جامعه کنونی ایران بر مبنای برداشت‌های سلیقه‌ای و لحظه‌ای مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی شکل می‌گیرد و موضوع یا رخدادی فرهنگی بیش از آنکه از دریچه یک الگوی دقیق عبور کند و به مسئله فرهنگی تبدیل شود، از دالان عقاید، باورها، برداشت‌ها و علایق شخصی فرد سیاست‌گذار می‌گذرد و شکل مسئله فرهنگی به خود می‌گیرد. برای اینکه بتوانیم در فضای فرهنگی کشور، مسئله‌شناسی کنیم، ضروری است که دریابیم در گفتمان رسمی چه مفاهیم و زبانی وجود دارد که سیاست‌های جامعه را می‌سازد؟ در نهایت، فهم و شناخت روندها و روش‌های مختلف مسئله‌شناسی برای رسیدن به سیاست‌ها و برنامه‌های منسجم و واحد، امری ضروری است.

۱. اهمیت پژوهش

امروزه شاهدیم که در تمامی کشورها، برای امر فرهنگ برنامه‌ریزی می‌کنند و دولت‌ها با خط‌مشی‌های اتخاذی درصددند تا نظم فرهنگی و کارکردهای اساسی آن را که شامل تغییر و نوآوری اجتماعی و تداوم اجتماعی است، در تمامی سطوح جامعه گسترش دهند (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۲). ممکن است این خط‌مشی‌ها نظام ارزشی و هنجاری باشند که در متن فرهنگ موجود و مورد خواست مردم است، یا تولید و بازتولید متن دین در عرصه فرهنگ و یا ایدئولوژی‌های طبقه حاکم باشند. امروزه مدیران عالی فرهنگی کشور به اجماع رسیده‌اند که کارهای ناسنجیده و سازمان‌دهی‌نشده در این حوزه نه تنها چاره‌ساز نیستند بلکه ممکن است پیامدهای منفی هم داشته باشند. برخی دو مشکل اساسی حوزه فرهنگ در کشور را نبود نگاه جامع به فرهنگ و غلبه نگاه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی می‌دانند (رازنهان، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۰). از هر رویکردی که به مقوله فرهنگ نگاه کنیم، فهم اینکه سیاست‌مداران و نخبگان جامعه چگونه به فرهنگ نگاه می‌کنند و دست به خط‌مشی‌گذاری فرهنگی می‌زنند، امری کاملاً ضروری است. درنهایت فهم و شناخت اینکه چگونه مسائل فرهنگی را مورد شناسایی قرار می‌دهیم، گام مهمی در برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به شمار می‌آید.

۲. هدف پژوهش

از آنجاکه در ایران معاصر یکی از فقیرترین حوزه‌ها در عدم انباشت علم و تجربه علمی و قطعی، مدیریت فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و اجتماعی است، بیشتر سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی در ایران از نبود خط‌مشی‌گذاری مناسب، نداشتن برنامه‌های راهبردی مطمئن و ضعف در تصمیم‌گیری و اولویت‌بندی صحیح کارها و اقدامات رنج می‌برند. در این تحقیق در پی آنیم که با روش مطالعه موردی و تحلیل دقیق اطلاعات، گامی به سوی بررسی و توصیف الگوی مسئله‌شناسی فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی جامعه ایران برداریم تا این پژوهش بتواند اطلاعات واقعی از وضعیت موجود مسئله‌شناسی فرهنگی در کشور ارائه دهد و نتایج این پژوهش در کنار سایر پژوهش‌های این حوزه، خشت‌های اصلی شکل‌دهنده ساختمان نظریه فرهنگی بومی ایرانی - اسلامی را که همان وضعیت مطلوب نظام مقدس جمهوری اسلامی است، فراهم سازند.

۳. چیستی «مسئله»

به طور کلی می‌توان دو نوع مسئله را از هم تفکیک کرد: مسئله تئوریک، و مسئله اجتماعی. مسئله تئوریک ناشی از انتقاد از تئوری است. در این معنا، مسئله محصول بحث انتقادی از جمله آزمون تجربی تئوری است (Popper, 1999: 14). اما درباره مسئله اجتماعی باید گفت مسئله وضعیتی است از نیاز بشری، محرومیت یا نارضایتی‌ای که به وسیله خود شخص یا دیگران قابل تشخیص باشد و برای حل آن دنبال راه‌حل بود. برای مثال، مسائلی هستند که از آن‌ها به عنوان مشکل یاد می‌شود مانند آلودگی، تورم، جرم، بیکاری و سیاست نفتی اوپک؛ زیرا نگرانی‌ها و نارضایتی‌هایی را به وجود می‌آورند که سبب می‌شوند مردم به دنبال راه‌حل برای آن‌ها باشند. همه نوع نیازها و درخواست‌ها وجود دارد، ولی تنها آن دسته از نیازها که مردم را به واکنش وامی‌دارند و شفاف اظهار می‌شوند، نیازمند ارائه راه‌حل‌های سیاستی هستند (اشتریان، ۱۳۸۶: ۳۰). مهم‌ترین چیزی که مسائل عمومی را از خصوصی متمایز می‌کند، شمار افرادی است که در یک مسئله درگیر می‌شوند؛ بنابراین مسائل عمومی دامنه تأثیرات وسیعی دارد و پیامدهای آن شامل افرادی که مستقیم مشمول آن نیستند هم می‌شود (اشتریان، ۱۳۸۶: ۳۱). کسانی که به خطا پنداشته‌اند که مراد از مسئله مشخص، مسئله‌ای است بسیار تنگ‌دامنه؛ حال آنکه مسئله مشخص مسئله‌ای با مرزهای معین است، خواه پهناور و خواه تنگ (آریان‌پور، ۱۳۶۲: ۲۳).

۳-۱. مسئله‌شناسی

به منظور تعیین و شناسایی مسئله، گاهی گفتن اینکه «مسئله چه چیزی نیست» به همان اندازه اهمیت دارد که گفتن «مسئله چه چیزی هست» (الوانی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). هر مسئله با یک پرسش علمی آغاز می‌شود. پرسش علمی محصول تفکر آزاد محقق روی دانش علمی و سؤالی مرتبط با ادبیات علمی مسئله و مستند به آن است. پرسش علمی تابع دانش علمی است (سرایبی، ۱۳۷۳: ۱۳۰). از نظر مرتون نیز در واقع سؤال فرموله‌شده است و پاسخ به آن منجر به تأیید، تقویت یا تجدیدنظر در برخی قسمت‌های دانش مربوط به موضوع پرسش می‌شود (Merton, 1965: 50). در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان مسئله‌یابی کرد، ابتدا به نظر می‌رسد یافتن مسئله و طرح آن به صورت پرسش آسان است، اما این‌گونه نیست. به گفته مرتون، یافتن و فرموله‌کردن مسئله بسی دشوارتر از حل آن است (کوهن، ۱۳۶۹: ۵۵-۵۰).

۲-۳. صورت‌بندی مسئله

«صورت‌بندی مسئله» فرایندی است که طی آن تعبیرهای متناقض ذی‌نفعان مختلف درباره هر مشکل مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. این بدون شک مهم‌ترین فعالیتی است که توسط تحلیل‌گران سیاستی انجام می‌پذیرد. صورت‌بندی مسئله در حقیقت نظام هدایت مرکزی یا نوعی مکانیسم هدایت‌کننده است که در موفقیت مراحل بعدی تجزیه و تحلیل سیاستی مؤثر است. اهمیت بالای صورت‌بندی مشکل به این علت است که عدم موفقیت تحلیل‌گران سیاستی در حل هر مشکل، اغلب ناشی از ارائه راه‌حل‌های نادرست توسط آنهاست؛ از این رو به سیاست‌گذار یا پژوهش‌گر سیاست‌گذاری توصیه می‌شود که نخست به تحلیل همه‌جانبه مشکل مورد نظر پردازد و آن را به صورت دقیق صورت‌بندی کند (Dunn, 1994: 227).

دان معتقد است صورت‌بندی دقیق مسئله، متضمن بررسی ارتباطات درونی میان سه عنصر است: سیاست‌های عمومی؛ سهام‌داران سیاستی (افراد درگیر سیاست)؛ و محیط سیاستی. سیاست‌های عمومی مجموعه گسترده‌ای از گزینه‌های مرتبط هستند که توسط هیئت و مقامات دولتی اتخاذ می‌شوند. این مجموعه قلمرویی از موضوعات همچون دفاع، انرژی، بهداشت، آموزشی، رفاه و جرم را صورت‌بندی می‌کند. در هر یک از این سه قلمرو، موضوعات سیاستی بسیار متفاوتی وجود دارد که متضمن تضاد و کشمکش در میان بخش‌های مختلف اجتماع است. یک موضوع سیاستی معین معمولاً از تعاریف متعارض یک مشکل سیاستی ناشی می‌شود. برای مثال، بیشتر بخش‌های جامعه، جرم را موضوعی سیاستی می‌دانند؛ با وجود این جرم به‌عنوان مشکل اجتماعی، اقتصادی، تربیتی یا انگیزشی فردی تعریف می‌شود. در واقع جرم همه این مسائل و بیشتر از آنهاست.

از سوی دیگر تعریف یک مشکل، به الگوی دربرگیرنده افراد و گروه‌های درگیر در سیاست‌ها بستگی دارد؛ چه این افراد بر تصمیم‌های دولتی تأثیر گذاشته یا از آن تأثیر پذیرند. برای مثال گروه‌های شهروندی، اتحادیه‌های کاری و کارگری، احزاب سیاسی، آژانس‌های دولتی و رهبران برگزیده و تحلیل‌گران سیاسی اغلب به شیوه‌های کاملاً متفاوتی به اطلاعات مربوط به محیط سیاستی یکسان، واکنش نشان می‌دهند.

بعد سوم در تعریف مشکل در این نگاه، محیط سیاستی است. دان بیان می‌دارد محیط

سیاستی بافت مشخصی است که در آن رخدادهای احاطه‌کننده موضوع سیاستی به وقوع می‌پیوندد و در مقابل، محیط از سهام‌داران سیاستی و سیاست‌های عام تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین می‌توان گفت خط‌مشی‌گذاری عمومی امری هنجاری است؛ بدین معنا که مسائل و مشکلات اغلب در چهارچوب نظام‌های ارزشی و فرهنگی کلان‌تر تعریف می‌شوند. ازسوی دیگر، وابسته‌بودن تعریف مشکل عمومی با نظام ارزشی جامعه از آنجا نشئت می‌گیرد که مشکل، اشاره به وجود هرگونه تفاوت میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دارد. با تکیه به این تعریف، روشن است که وضعیت مطلوب و نظام ایدئال جامعه در پیوند تنگاتنگی با ارزش‌های حاکم بر جامعه و ارزش‌های مورد پذیرش دستگاه حاکمیت قرار دارد (Dunn, 1994: 230).

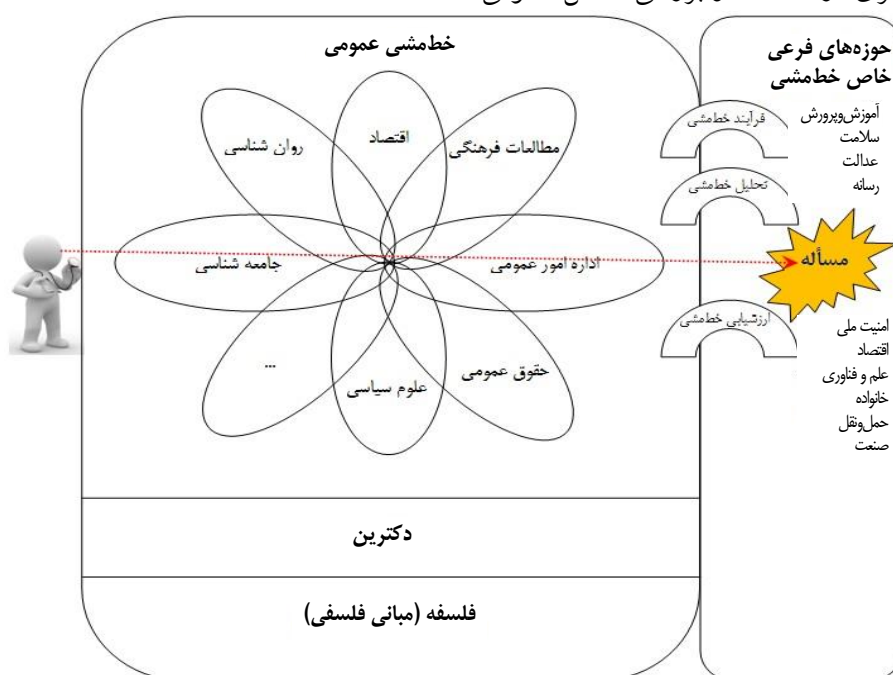
با توجه به آنچه بیان شد، عوامل دخیل در شکل‌گیری و صورت‌بندی مسئله فرهنگی را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی کرد:

سنت‌ها و باورها، نظام‌های ارزشی، هنجارهای اجتماعی، خانوادگی، قانونی، اخلاقی، معنوی، نهادها و ساخت‌های قدرت، حقوق بنیادین انسان‌ها، شیوه زندگی (نحوه تفکر و تولید، تجربه‌ها، عادت‌ها، توزیع کارکردها و وظایف)، تعامل میان عوامل فرهنگی و غیرفهرنگی، سطوح و حوزه‌های عمل، تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فناورانه بر فرهنگ، ابعاد فرهنگی کنش و واکنش‌های اجتماعی، زبان و شکل‌های دیگر میراث غیرمادی، رویدادها، وقایع، جشنواره‌های تاریخی، ملی و مذهبی، ارتباطات میان‌فرهنگی، مبادلات اقتصادی و تجارت، مهاجرت، محیط زیست، روستایی و شهری بودن، و جهانی‌شدن (پهلوان، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

۳-۳. مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری عمومی

علوم سیاست‌گذاری عبارت است از ترکیبی از علم، مهارت و هنر. علم بدنهٔ تئوریک، مفاهیم و روش‌های اساسی آن است. مهارت مجموعه‌ای از تکنیک‌های کاربردی، قواعد عملی و روش‌های عملیاتی استاندارد است. هنر نیز عبارت است از مشی، سبک و حالتی که کاری انجام می‌شود (Ann Majchrzuk, 1984: 11). براساس برداشتی کلی از «سیاست‌گذاری عمومی» که در شکل زیر نشان داده شده است و با توجه «به اینکه چیزی به‌عنوان حوزه یا رشته مطالعات خط‌مشی عمومی وجود ندارد و توافقی بر سر اُبژه مورد

مطالعه دانش پژوهان خطمشی عمومی نیست»، راه اطمینان از «مسئله» بودن مسئله در این حوزه، مشروط به سه اقدام دانش پژوهان خطمشی به طور موازی است: ۱) توجه به مبانی فلسفی و دکتربین حوزه‌های فرعی خاص خطمشی؛ ۲) توجه به نظریه‌های برداشت شده از سایر رشته‌ها در «فرایند»، «تحلیل» و «ارزشیابی» خطمشی؛ و ۳) توجه به رویکردهای نظری در شناخت و بررسی مسائل عمومی (کمال، ۱۳۹۶: ۱۱۳).



نمودار شماره (۱). الگوی تشخیص مسئله در حوزه خطمشی گذاری عمومی (کمال، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

۳-۴. مسئله فرهنگی - اجتماعی

کیس می‌گوید مسائل اجتماعی موقعیت‌هایی است که تعداد زیادی از مشاهده‌گران باکفایت را که لازم است از طریق کنش جمعی هدایت شوند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نظر کیس و بسیاری از افراد پس از وی، این‌ها به پدیده‌های اجتماعی روان‌شناختی تبدیل شده بودند. به زبان بسیار ساده، یعنی هرچه را که شمار قابل توجهی از اعضای جامعه «مسئله اجتماعی» بخوانند، همان مسائل اجتماعی است (فولادی، ۱۳۷۸: ۷۵). هورتون و

لزلی مسئله اجتماعی را امری می‌دانند که «بخش قابل‌توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند، معتقد باشند برای حل آن باید کاری کرد، و بر این باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند» (ناطق‌پور، ۱۳۸۰: ۶۸). از نظر میلز مسئله اجتماعی به آن شیوه از فکر، احساس و عمل در جامعه گفته می‌شود که دارای منشأ ساختاری بوده، عام و تهدیدآمیز باشد و راه‌حل ساختاری داشته باشد (یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). رومیر با بررسی تعاریف صاحب‌نظران مختلف از مسائل اجتماعی، پنج جزء تعریفی مسئله اجتماعی را مورد بازشناسی قرار می‌دهد. براساس این تعاریف، مسئله اجتماعی (۱) وضعیت یا موقعیتی نامطلوب است که (۲) به وسیله تعداد قابل‌توجهی از اعضای جامعه (۳) تحمل‌ناپذیر و مضر دیده می‌شود و (۴) کنشی جمعی (۵) برای اصلاح آن ضروری است (Rwomire, 2001: 4).

به نظر می‌رسد مسئله فرهنگی را می‌توان به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف کرد. تعریف سلبی به این معناست که وقتی مشکلی توسط تعدادی از مدیران یا تعدادی از آحاد جامعه درک می‌شود، یا برای بخشی از جامعه رخ می‌دهد ما می‌توانیم این پدیده را مسئله فرهنگی بنامیم. سی‌رایت میلز عقیده دارد چیزی که ارزش‌های اجتماعی مردم را تهدید کند و وضعیت آزاردهنده‌ای را به صورت فراگیر ایجاد می‌کند، یک مسئله تلقی می‌شود (لوزیک، ۱۳۹۴: ۷۷). به عبارت دیگر در تعریف سلبی، مسئله فرهنگی به منزله فقدان پدیده یا موضوع و درواقع یک نقص و کمبود است؛ مثل مسئله کمبود فضاهای مطالعه در یک استان، افول ارزش‌های اخلاقی در جامعه، بی‌توجهی به کودکان در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور و غیره. کشور ما نظامی ارزشی دارد که پس از انقلاب اسلامی ایجاد یا اساساً دچار تحول شده است؛ مسئله فرهنگی یعنی فاصله معنادار گرفتن از آن نظام ارزشی، حال در هر عرصه‌ای که باشد؛ به‌ویژه در حوزه‌های اخلاقی، رفتاری و باورهای انسان‌ها؛ مانند مسئله حجاب که در حوزه اعتقادات و باورهاست، ولی نمادش هم در باور و هم در ظاهر شخص نمایان است؛ یا مثلاً در حوزه رفتار قانون‌شکنی و غیره. تعریف ایجابی مسئله فرهنگی ناظر به این معناست که گاهی درک نکردن فرصت‌ها منجر به پدیدآمدن مسئله‌ای فرهنگی می‌شود. در اینجا نمی‌گوییم لزوماً باید مشکلی فرهنگی رخ دهد. ممکن است فرصت‌های متعددی وجود داشته باشد که استفاده نکردن از

آن‌ها در زمان و موقعیت خودش و درک نکردن این شرایط، فرصت را به مسئله‌ای فرهنگی تبدیل کند. برای مثال، در ایران فرصت‌های بسیاری برای بازسازی نظام فرهنگی مانند فرهنگ نذر، وقف و غیره وجود دارد که این کشور را از بسیاری جوامع دیگر متمایز می‌سازد. براساس آمارهای موجود، سرانه هر خانواده در تهران نسبت به مخارجی که برای نذورات خود دارند، به طور متوسط سالیانه حدود ۶۲۰ هزار تومان است. عمده مردم نذورات را به شیوه‌ای سنتی و در مناسبت‌های مذهبی مانند محرم، فاطمیه و غیره ادا می‌کنند؛ اما چقدر از این فرهنگ برای حل مشکلات فرهنگی مانند گسترش فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی استفاده شده است؟ مثال‌های این‌چنینی فرصت‌هایی هستند که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها یا انجام رویکردهای فرصت‌سوزانه، به مسئله تبدیل می‌شوند. ما در گذشته سنت‌هایی در فرهنگ‌مان داشتیم که نیاز به بازتولید دارد؛ درحالی‌که نظام فرهنگی ما این کار را انجام نداده است. ویژگی برجسته فرهنگ ایران در سه چیز تبلور یافته است. هنر، ادبیات و عرفان ایرانی که منابع تولید فرهنگ به شمار می‌روند. اگر ما شعار جهانی داریم و باور داریم که فرهنگ اسلامی ما ظرفیت تعامل با دیگر فرهنگ‌ها را دارد، براساس کدام بال فرهنگی‌مان با دنیا تعامل کرده‌ایم؟ آیا واقعاً دیپلماسی فرهنگی ما نمی‌توانست خیلی موقعیت‌ها مؤثرتر از دیپلماسی سیاسی یا نظامی عمل کند؟ دنیا در حال تغییر و تقاضاهای جهانی برای مصرف فرهنگ همچنان در حال افزایش است. ما در این سه حوزه ظرفیت زیادی داشتیم و داریم، اما این ظرفیت‌ها را فرصت نمی‌بینیم از این‌رو کشف و درک نکردن فرصت‌ها منجر به تولید تهدید می‌شود. حتی در حل مسائل سیاسی و اقتصادی نیز فرهنگ می‌تواند راه‌حل باشد.

۳-۵. مسئله‌شناسی فرهنگی

واکاوی مسائل و موضوعات برای بومی‌سازی آن‌ها، صرفاً به دلیل تفاوت اقلیم جغرافیایی جامعه ما با جوامع دیگر نیست که در نتیجه تنها از طریق مطالعات تجربی، در پی بومی‌سازی مسائل و موضوعات برآییم، بلکه به این دلیل است که «همه انسان‌ها با نظریه متولد می‌شوند و با نظریه زندگی می‌کنند و ادامه زندگی آن‌ها بدون نظریه میسر نخواهد بود» (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۱). از نظر فلسفی، می‌توان برای مسئله فرهنگی متناسب با انگاره‌های مختلف اجتماعی، حالت‌های مختلفی متصور شد. بر این مبنا، بهره‌گیری از انگاره‌ها و دلالت‌های

نظری و مفهومی مختلف، مصادیق انضمامی متمایزی را برای مسئله فرهنگی به وجود می‌آورد؛ به عبارتی معناشناسی مسئله فرهنگی به شدت برخاسته از مفروض‌هایی است که هریک از رویکردهای نظری بر مبنای آن طرح شده‌اند (ریترز، ۱۳۹۴: ۶۳۲). بومی‌سازی مسائل و موضوعات ریشه در توجه، فهم و تحلیل انتقادی نظریه‌هایی دارد که این مسائل و موضوعات گرانبار، برخاسته از آن‌هاست؛ بنابراین در قدم نخست تحقق این امر، گریزی از توجه به «نظریه‌ها» و فهم و تحلیل انتقادی آن‌ها نیست.

فرایند مسئله‌شناسی در جوامع مختلف کاملاً با یکدیگر متمایز است. برای اینکه بتوانیم در فضای فرهنگی کشور مسئله‌شناسی کنیم، ضروری است که دریابیم در گفتمان رسمی کشور چه مفاهیم و زبانی وجود دارد که خط‌مشی‌های جامعه را می‌سازد؟ در نهایت فهم و شناخت روندها و روش‌های مختلف مسئله‌شناسی برای رسیدن به خط‌مشی‌ها و برنامه‌های منسجم و واحد امری ضروری است.

در بحث از مسئله‌شناسی فرهنگی رویکردهای متفاوتی وجود دارد، برای مثال برخی اندیشمندان مسئله‌شناسی را به رویکردهای آسیب‌شناسانه در عرصه فرهنگ اطلاق می‌کنند و معتقدند مسئله فرهنگی عبارت است از مجموعه مشکلات و چالش‌هایی که بخش فرهنگ با آن روبه‌روست. عبارت بخش فرهنگ، در تفکر یا پارادایم برنامه‌ریزی فرهنگی کلاسیک در مدیریت شکل گرفت. برخی دیگر نیز نگاه آسیب‌شناسانه را از نگاه مسئله‌شناسی جدا می‌دانند و بیشتر مسئله فرهنگی را وضعیت فرصت - تهدید می‌بینند. در این نوع نگاه، مسئله فرهنگی نه یک بخش جدا و مستقل از کلیت زندگی اجتماعی و نه چیزی در کنار سیاست، اقتصاد و جامعه بلکه امری چترگونه که در تمام این ابعاد استیلا پیدا کرده است؛ دیده می‌شود. در این نگاه جدید، فرهنگ و مسئله فرهنگی نیز غایت یا هدفی برای کلیت زندگی اجتماعی و هم نوعی راهبرد و روش برای دست‌یافتن و رسیدن به آن هدف است (فاضلی، ۱۳۹۴: ۶۴-۵۵).

۳-۶. جایگاه مسئله‌شناسی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

اشریان فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را به صورت پنج مرحله تشریح می‌کند: مسئله‌شناسی فرهنگی، راه‌حل، تصمیم، اجرا و بازخورد، و ارزیابی (اشریان، ۱۳۸۶: ۳۵). همان‌طور که گفته شد، گام نخست در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، تشخیص مسئله

یا مشکل است. آنچه از نظر ارتباط با خط‌مشی‌گذاری مهم به نظر می‌رسد، مسئله‌شناسی و چگونگی تدوین مسئله‌ای فرهنگی به منظور خط‌مشی‌گذاری است؛ زیرا در حقیقت این بحث به دنبال این است تا به خط‌مشی‌گذار بیاموزد چگونه در جامعه مسئله شکل می‌گیرد و خط‌مشی‌گذار چگونه مسئله را می‌یابد و می‌شناسد و می‌نگرد تا در نهایت براساس فهم واقعی که برای وی به دست آمده است، در جهت حل مسائل فرهنگی برنامه‌ریزی کند.

فرایند مسئله‌شناسی مستلزم این است که فرایندها در بستر فرهنگ رخ دهد و ضرورت فهم علمی و مفهومی بستر و زمینه تاریخی - اجتماعی (فرهنگ) پرواضح است. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی برآمده از جهان‌بینی و انسان‌شناسی مربوط به خود است، اما ازسوی دیگر فرایند تأثیرگذاری تمدن غرب بر کشورها قابل چشم‌پوشی نیست. در این راستا نخستین گام، برگشت به تاریخ اجتماعی و فرهنگی جامعه است. باید جامعه را از درون و ژرفای تاریخ با تمامی سنت‌ها و آداب و روش‌های آن شناخت و نیز جامعه کنونی را دقیقاً آن‌گونه که هست شناخت، نه آن‌گونه که نظریه‌های غیرومی به ما می‌گویند.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های اندکی در حوزه مسئله‌شناسی فرهنگی و با این هدف صورت گرفته است. در برخی از آن‌ها به‌طور صریح عنوان «مسئله‌شناسی فرهنگی» وجود دارد و پژوهش به‌طور مستقیم به دنبال اندیشه‌ورزی و یافتن پاسخ‌هایی در این حوزه بوده است. در برخی دیگر ممکن است اسمی از مسئله‌شناسی فرهنگی نیامده باشد ولی در اصل، دغدغه مسئله‌شناسی فرهنگی در ضمن مواردی همچون «رصد فرهنگی» یا «شاخص فرهنگی» وجود داشته و بدان پرداخته شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کوین وی مولکاهی (۲۰۱۷) در کتاب «فرهنگ عمومی، هویت فرهنگی، سیاست فرهنگی (چشم‌اندازهای تطبیقی)»،^۱ معتقد است شاید به دلیل ماهیت مبهم آنچه فرهنگ را تشکیل می‌دهد، سیاست‌های فرهنگی عمومی فاقد اهداف مشخص، قاطع و مورد توافق مشترک هستند. این کتاب به دنبال تبیین این نگاه است که اهداف جهت‌دهنده به

1. Kevin V. Mulcahy (2017), *Public Culture, Cultural Identity, Cultural Policy (Comparative Perspectives)*, Louisiana State University School of Political Science.

فرهنگ و مسائل فرهنگی، بسته به ماهیت سیستم سیاسی و ارزش‌های ایدئولوژیکی که در ساختار هر فرهنگ تجسم می‌یابد، بسیار متفاوت است و این متغیرها بر چگونگی تعریف و فهم از فرهنگ و مسائل فرهنگی تأثیر فراوانی می‌گذارند. در میان موضوعات مربوط به سیاست فرهنگی، این کتاب به دنبال تشریح موارد زیر برای تبیین و عملیاتی کردن مفهوم شناور فرهنگ و مسائل فرهنگی است:

- آنچه در سیاست فرهنگی حائز اهمیت است، آشکارکردن رابطه بین فرهنگ‌های سیاسی و اصطلاحات خاص فرهنگ‌های عمومی است؛
- سیاست فرهنگی به دنبال ارائه‌نمایی کلی است که در آن به تبیین آنچه در فرهنگ عمومی به‌عنوان یک سیاست عمومی درگیر است، پردازد؛
- ترسیم اهداف، نیازها، مسائل فرهنگی و توجیحات فرهنگ عمومی، اولویت بسیار بالایی در تبیین سیاست فرهنگی دارد.

دکتر مجید وحید (۱۳۸۱) در مقاله «بررسی فرایند شکل‌گیری و قرارگیری مشکل در عرصه عمومی و دستورکار سیاست‌گذار»، به‌طور خاص موضوع «مشکل» یا «مسئله» را در فرایند سیاست‌گذاری مورد تحلیل قرار داده است. این مقاله بر دو محور استوار است: محور نخست به بررسی مشکل حوزه سیاست‌گذاری عمومی در ابعاد مفهوم و ویژگی‌ها و نیز چگونگی شکل‌گیری آن در عرصه اجتماعی اختصاص یافته است. محور دوم، به بحث دستورکار و چگونگی ثبت مشکلات عمومی در آن می‌پردازد. این دو مبحث حلقه ارتباط مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی را که از موضوعات اساسی علوم سیاسی در قرن بیستم بوده‌اند، فراهم می‌سازند. در این مقاله به مدل‌های ثبت مشکلات در دستورکار اشاره شده است و مرور و دسته‌بندی خوبی از لحاظ نظری داشته است، منتها بررسی موردی و ناظر به امر واقع سازمان‌ها و سیاست‌های فرهنگی ایران، در آن به چشم نمی‌خورد.

مشبکی و خادمی (۱۳۸۷)، در مقاله «بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی»، آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی را در سه رکن اصلی آن (شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی) به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. در مرحله شکل‌گیری، آسیب‌ها در سه طبقه از هم جدا شده‌اند: آسیب‌های نظری و مطالعاتی، آسیب‌های مسئله‌شناسی، و آسیب‌های نگرشی. در بخش

مربوط به مسئله‌شناسی، نویسنده برخی از عوامل و متغیرهای مؤثر بر مسئله سیاست‌گذاری را از منظر آسیب‌شناسی تحلیل کرده است. وی معتقد است هم‌اکنون مسئله فرهنگ در جامعه ایران دگرگون شده است و دستگاه‌های فرهنگی، موقعیت متفاوتی نسبت به سال‌های گذشته پیدا کرده‌اند. اکنون با ملاحظه تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران لازم است در وهله نخست، نیازهای واقعی فرهنگی جامعه را شناسایی کرد و در قالب سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، مسائل آن را طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری کرد؛ آنگاه با برنامه‌ریزی واقع‌بینانه برای حل معضلات فرهنگی و رسیدن به رشد متوازن و توسعه فرهنگی مورد نیاز جامعه امروز ایران، همسو و هماهنگ با تلاش برای توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور گام برداشت. در این مقاله نیز مانند مقاله پیشین، صرفاً به بحث نظری و آسیب‌شناسانه اکتفا شده است و به مطالعه کاربردی و عملیاتی سازمان‌ها و سیاست‌های فرهنگی ایران ورود نشده و الگویی ارائه نداده است.

با مرور پژوهش‌هایی که مستقیم (پرداختن دقیق به فرایند مسئله‌شناسی فرهنگی در ایران) و غیرمستقیم (پرداختن به حوزه‌هایی چون رصد فرهنگی، نقشه‌یابی فرهنگی، تعیین شاخص‌های فرهنگی، بررسی آسیب‌های فرهنگی، مسئله تغییر فرهنگی و غیره) در این زمینه انجام پذیرفته است، به وضوح می‌توان به فقدان بررسی‌های نظری و درعین حال ناظر به عمل و واقعیت در زمینه مسئله‌شناسی فرهنگی که معطوف به واقعیت‌های فرهنگی جامعه ایران باشد، پی برد. ایرادهای اصلی این تحقیقات را عموماً می‌توان در نکات زیر برآورد کرد:

■ بی‌توجهی جدی به مهم‌ترین حلقه خط‌مشی‌گذاری که همان فرایند مسئله‌شناسی فرهنگی است و همان‌گونه که در بیان مسئله طرح شد، مسئله‌شناسی فرهنگی را می‌توان مهم‌ترین و شاید تنها حلقه واسط بین نظریه فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دانست. به تعبیری، عملیاتی‌سازی فرهنگ برگرفته از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سطح جامعه پیش از هر چیز در چرخه خط‌مشی‌گذاری خود نیازمند مسئله‌شناسی مبتنی بر نظریه فرهنگی ایرانی - اسلامی است. متأسفانه در پژوهش‌های انجام‌شده به این حلقه مفقوده چندان توجه نشده است و در این تحقیق تلاش می‌شود روی این مطلب به طور خاص و دقیق تمرکز شود.

■ تحقیقات موجود بیش از هر چیز جنبه‌های ملی داشته و به بررسی حوزه‌های کلان فرهنگ پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که با بررسی موارد عینی سازمان‌ها و ساختارهای فرهنگی کشور، به ارائه الگو یا مقایسه تطبیقی وضعیت عینی آن‌ها بپردازد. یکی از وجوه متمایز این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام‌شده، در بررسی میدانی و واقعی سازمان‌های فرهنگی است که با کارویژه مطالعه الگوهای مسئله‌شناسی فرهنگی در این سازمان‌ها، به دنبال توصیف بخشی از واقعیت‌های موجود در فرایند خط‌مشی‌گذاری در گوشه‌ای از سازمان‌های کشور است.

۳. سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان

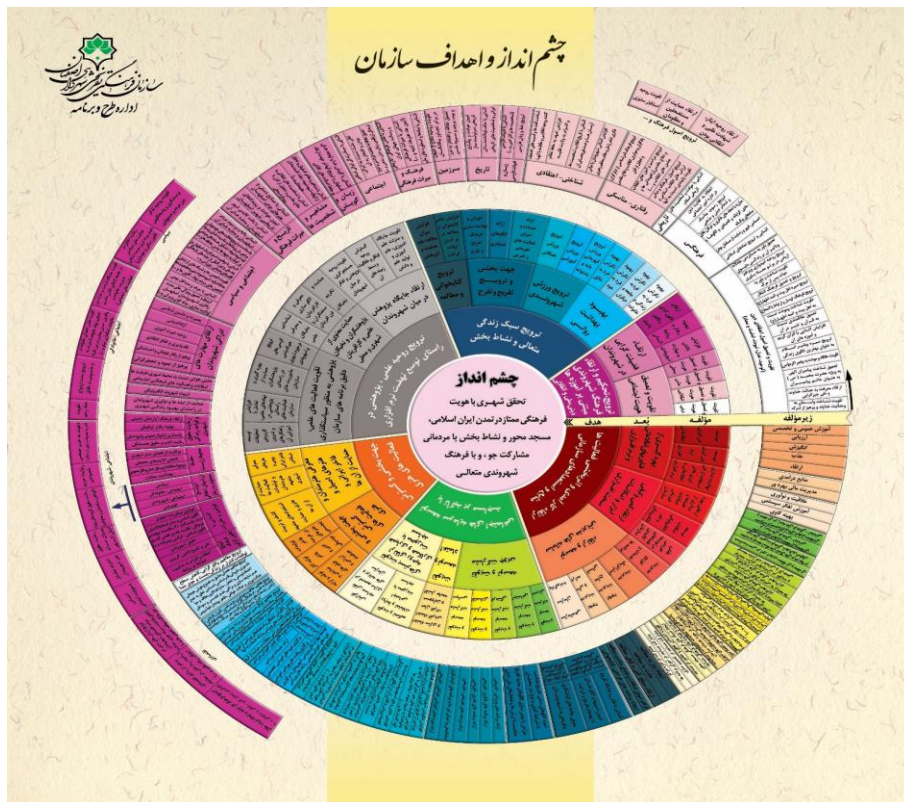
در ساختار سازمانی پیشین شهرداری، «سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری» به لحاظ تشکیلاتی یکی از سازمان‌های زیرمجموعه «معاونت فرهنگی اجتماعی» بوده است. براساس گفته مسئولان این سازمان، قرار بر این بود که تعیین استراتژی‌ها و اولویت‌های کلی با معاونت فرهنگی اجتماعی و اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ها با سازمان فرهنگی تفریحی باشد. البته در عمل ارتباط چندانی بین این دو بخش وجود نداشت و تقریباً سازمان فرهنگی تفریحی به صورت مستقل عمل می‌کرد و به‌نوعی مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی همه فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در داخل شهر اصفهان، بر عهده این سازمان بود و ارزیابی نیز بر عهده واحد نظارت و ارزیابی قرار داشت. هرچند در دوره‌های اخیر و در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۰ رابطه خط‌مشی‌گذارانه معاونت با مجری‌بودن خط‌مشی‌ها توسط سازمان بیشتر تقویت شد، ولی در عمل و به صورت واقعی تحولی در این زمینه رخ نداد تا اینکه در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۶، به‌مرور سه ساختار «سازمان فرهنگی تفریحی»، «سازمان ورزش شهرداری اصفهان» و «معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری» با یکدیگر ادغام شدند و تحت عنوان «سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان» ساختار و رابطه‌ای یکپارچه و با مدیریت واحد شکل دادند. به اذعان مدیران و کارشناسان سازمان، این رابطه هنوز در حال شدن و شکل‌گیری است و مسیر بسیاری برای تحقق این رابطه به صورت واقعی و عملیاتی باقی است.

۳-۱. نظام تعیین مسائل و اهداف در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان

در چند سال اخیر، موضوعات و مسائل حاکم بر فعالیت‌های سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان برخاسته از پژوهشی است که در برهه‌ای کمیسیون فرهنگی شورای شهر اصفهان انجام داده است و برای تمرکز فعالیت‌ها، موضوعات و مسائل شش‌گانه و مشخصی را به صورت کلی به آن‌ها ابلاغ کرده است.^۱ برای هرکدام از این مسائل و به فراخور اولویت در سازمان، کمیته‌های تخصصی شکل گرفته است که به صورت تخصصی و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و نخبگان، به برنامه‌ریزی درباره این مسائل ابلاغی شش‌گانه پرداخته‌اند، این مسائل عبارتند از: فرهنگ شهروندی؛ فرهنگ سلامت؛ فرهنگ رسانه؛ فرهنگ روابط اجتماعی (خانواده، طلاق و غیره)؛ فرهنگ تفریح و نشاط؛ و فرهنگ عفاف و حجاب. علاوه بر آن، دایره‌ای معروف و بین‌الذهانت یافته میان مدیران، کارشناسان و فعالان سازمان وجود دارد که در این طرح‌واره قراردادی، چشم‌انداز، کلیه اهداف، ابعاد، مؤلفه‌ها و حتی زیرمؤلفه‌های مسائل و موضوعات مورد نظر سازمان برای فعالیت به صورتی کلی و همه‌جانبه تعیین شده است و تا پیش از ابلاغ پژوهش شورای شهر در سال‌های گذشته، این دایره حاکم بر فعالیت‌های این سازمان بوده است و به‌نوعی شابلون مسئله‌شناسی فرهنگی سازمان نیز محسوب می‌شده است.

به اذعان مدیران و کارشناسان سازمان، مشکل این دایره چشم‌انداز و اهداف در حوزه مسئله‌شناسانه این بوده است که این طرح‌واره صرفاً لیست کامل و مفصلی از همه مسائل فرهنگی موجود که می‌توانسته به آن‌ها پرداخته شود، بوده است و به هیچ فعال و مدیری برای پرداختن به یک یا چند مسئله در اولویت و مهم، جهت‌دهی نمی‌کرده است. از این نظر، هر فعالیتی را که در عمل در سازمان و توسط لایه‌های مختلف عملیاتی و اجرایی آن انجام می‌پذیرفته است، شامل می‌شده و هرکس برای فعالیت هرچند غیرضرور خود با استناد به این طرح‌واره موسّع، همواره توجیه لازم را داشته است (شکل شماره ۲).

۱. برگرفته از: گزارش نیازسنجی عمومی شهروندان (به منظور استفاده در تدوین برنامه و بودجه شهرداری اصفهان)، مجری: معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، ۱۳۹۳، اصفهان.



نمودار شماره (۲). چشم‌انداز و اهداف سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان (برگرفته از اسناد بالادستی سازمان)

۴. روش انجام پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی است. مفهوم روش کیفی طیف گسترده‌ای از روش‌های پژوهشی را دربرمی‌گیرد (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۳۹). منظور از تحقیق کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۷)؛ بنابراین از همان ابتدا، شروع تحقیق با روش کیفی بوده است و براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از آن، فرایند مسئله‌شناسی فرهنگی در سازمان مدنظر از طریق مصاحبه با کارشناسان و مدیران مورد تحلیل قرار گرفته است.

۵. استراتژی تحقیق

پرسش اصلی تحقیق آن است که در جمهوری اسلامی ایران چه الگو یا مدل‌هایی برای شناخت مسائل در حوزه فرهنگ وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش از استراتژی مطالعه موردی استفاده شده است، چراکه این استراتژی به ما اجازه می‌دهد با بررسی یک سازمان خاص به‌عنوان مورد مطالعاتی، مفاهیم و ادبیات نظری را روی آن مورد سنجش قرار داده و مزیت‌ها و آسیب‌ها به‌طور ملموس‌تری نمایش داده شود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۲).

۶. شیوه گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مطالعه اسنادی و مصاحبه عمیق است و در این مسیر تلاش می‌شود از ادبیات علمی حوزه نظریه فرهنگی، اسناد بالادستی، نظرات نخبگان، صاحب‌نظران فرهنگی، خط‌مشی‌گذاران و مدیران سازمانی بهره‌برداری شود. مصاحبه‌های مورد نیاز این تحقیق از مدیران، صاحب‌نظران و کارشناسان فرهنگی سازمان مورد مطالعه گرفته شد. در مصاحبه با صاحب‌نظران، مصاحبه‌کننده داده‌ها را از اشخاصی جمع‌آوری کرده‌اند که دانش یا دیدگاه ویژه‌ای دارند که از طریق دیگران قابل دستیابی نیست (گال و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۲۵). برخی از مزیت‌های مصاحبه در مقایسه با روش‌های دیگر عبارتند از: عناصر تحلیلی عمیقی که می‌توان گردآوری کرد (نیک‌گهر، ۱۳۸۵: ۲۰۶)، قابلیت‌هایی که مصاحبه به لحاظ نفوذ عمیق و گسترده در واقعیت‌های ذهنی مصاحبه‌شونده دارد (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸: ۲۲۳) و اینکه با کمک مصاحبه می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، بررسی موضوع‌های پیچیده، پیگیری پاسخ‌ها یا پیدا کردن علل آن و اطمینان از درک پرسش از سوی آزمودنی پرداخت (طرقی، ۱۳۸۴: ۷۸).

۷. روش تحلیل اطلاعات

در این پژوهش از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل، و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. همچنین تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. البته به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل

مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود؛ این امر مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و سبب می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب کند (عابدی جعفری و دیگران ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۶).

۸. **سنخ‌شناسی مصاحبه‌شوندگان**

از نظر سنخیت، حداکثر تلاش این پژوهش در انتخاب افراد کارشناس، مدیر و متخصص با بیشترین اطلاعات در سطوح کمی و کیفی بوده است. در این زمینه با پانزده نفر از مدیران و کارشناسان سازمان مصاحبه انجام شد و اطلاعات مورد نیاز در دو بخش ساختاری و محتوایی مورد پرسش قرار گرفت.

۹. **اعتبارسنجی**

در این پژوهش توقف مصاحبه‌ها براساس روش اشباع نظری صورت پذیرفته است؛ بدین معنا که هرگاه مشاهده شد مضامین ایجادشده از مصاحبه‌ها به دور تکرار افتاده است و مضامین جدیدی ارائه نمی‌شود، ادامه مصاحبه متوقف شد. همچنین از آنجاکه این تحقیق در پارادایم کیفی شکل گرفته است، مصاحبه‌ها نیز به صورت کیفی و از جامعه خبرگانی انجام شده و نتایج هر مصاحبه در مصاحبه بعدی لحاظ شده است؛ بنابراین خود مصاحبه‌ها در اعتبارسنجی تحقیق مؤثرند. پس از تکمیل تحقیق نیز نتایج نهایی به اطلاع مصاحبه‌شوندگان و همچنین چند تن از خبرگان این حوزه رسید تا نسبت به اعتبار نهایی آن اظهار نظر کنند و تأییدات نهایی و اصلاحات احتمالی از آنان دریافت و اعمال شد.

۱۰. **قلمرو زمانی و مکانی تحقیق**

قلمرو زمانی این تحقیق بررسی الگوی مسئله‌شناسی سازمان مدنظر در سیزده سال گذشته، یعنی در قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۸۵ (از زمان آغاز تقریبی رویکردهای علمی در سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌ها) تا سال ۱۳۹۸ است. قلمرو مکانی تحقیق نیز شامل کلان‌شهر اصفهان و بررسی سازمان فرهنگی شهرداری آن است.

۱.۱. نمونه‌گیری^۱

در این پژوهش برای یافتن مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ استفاده شد. در این روش، محقق ابتدا فرد یا افرادی را شناسایی کرده و پس از دریافت اطلاعات، از آنها می‌خواهد فرد یا افراد دیگری را برای ادامه مصاحبه‌ها معرفی کنند (Babbie, 2002: 34).

۱.۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا مصاحبه‌ها به صورت تک‌به‌تک پیاده‌سازی و کدگذاری شدند. هر مصاحبه راهنمای مفهومی جدیدی برای مصاحبه بعدی بود تا هم مطالب گردآوری‌شده از غنای لازم برخوردار باشد و هم اعتبارسنجی تحقیق انجام شود. همان‌طور که گفته شد، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است که دارای سه مرحله است: کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری، و یکپارچه‌سازی.

هریک از مصاحبه‌ها پیرامون هر سازمان پس از انجام، پیاده‌سازی و کدگذاری شدند تا نتایج حاصل از آن در روند مصاحبه بعدی مورد استفاده قرار گیرد. برای سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان در مرحله کدگذاری اولیه، از مجموع ۷۶ گزاره مأخوذ از مصاحبه‌ها، ۹۳ کد اولیه استخراج شد، چراکه از برخی گزاره‌ها بیش از یک کد قابل استخراج بود و سپس در مرحله استخراج مضامین اولیه، ۹۳ کد اولیه در پانزده مضمون اولیه طبقه‌بندی شدند. سپس در مرحله کدگذاری تفسیری با اتخاذ رویکردی استقرایی، پانزده مضمون اولیه با تلفیق و تجمیع به شش مضمون پایه تقلیل یافت و در نهایت در مرحله یکپارچه‌سازی تلاش شد ضمن قراردادن مضامین پایه در ذیل مضامین محوری، الگوی مسئله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان تبیین و ترسیم شود. به جهت حجم بسیار بالای جداول تحلیل مضمون این پژوهش، در ادامه برای نمونه، نحوه استخراج کدهای اولیه از گزاره‌های برگرفته از یک مصاحبه‌شونده به منظور استخراج مضامین اولیه و نیز طی کردن مراحل تحلیل مضمون و استخراج شبکه مضامین آورده می‌شود، سپس به تبیین الگوی استخراج‌شده از سازمان مذکور می‌پردازیم.

1. Sampling

2. Snowball Sampling

۱۲-۱. کدگذاری توصیفی

در این نوع کدگذاری، در گام ابتدایی به هر گزاره مرتب، یک کد اولیه که گویا، مفسر و تلخیص شده آن باشد، اختصاص داده می‌شود و در گام دوم با تجمیع و تفکیک کدهای اولیه، آن‌ها را ذیل مضامین اولیه طبقه‌بندی می‌کنیم.

۱۲-۲. کدگذاری اولیه

در این مرحله از مجموع ۷۶ گزاره مأخوذ از سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان، ۹۳ کد اولیه استخراج شده است. با توجه به حجم بالای جداول مرتبط با کدگذاری اولیه، صرفاً چهار نمونه از مصاحبه‌ها و کدهای اولیه آن‌ها ارائه می‌شود:

جدول شماره (۱). کدگذاری اولیه داده‌های سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان

کد اولیه	گزاره	کد مفهوم
مصاحبه دوم: مصاحبه‌شونده ۴		
۲۸	عمومیت مسائل فرهنگی از آسیب بیشتر است. مسئله هنوز به آسیب نرسیده است.	برخی مسئله‌ها تبدیل به آسیب می‌شوند.
۲۹	مسائلی که اصلاً پاسخ داده نشوند و یا پاسخ درست داده نشوند، تبدیل به آسیب می‌شوند. کار در حوزه آسیب‌ها از کار در حوزه مسائل سخت‌تر است.	عمومیت مسائل فرهنگی
۳۰	دو نوع تعریف از مسئله می‌توان داشت: مسائل کالبدی، مثل ترافیک و بازیافت و غیره (نگاه به داخل شهرداری و مسئولیت‌های آن است)؛ و مسائل عمومی یعنی موضوعاتی که خلأ فرهنگی در سطح ملی وجود دارد (نگاه براساس نیازهای شهری است).	اولویت تعاریف فرهنگ شهروندی در نگاه به مسائل
۳۱	سه فیلتر سازمان فرهنگی تفریحی برای پرداختن به مسائل فرهنگی عبارت است از: ۱) ورود به مسائلی که فرد یا ارگان دیگری متولی اجرای آن به صورت قدرتمند نباشد (مثال: سازمان وارد مباحث قرآنی نمی‌شود چراکه اوقاف و ارشاد متولی مکفی آن هستند)؛ ۲) موضوعاتی که به صورت بومی در شهر اصفهان فراگیر نبوده است و به‌نوعی جدیدالوقوع	مسئله‌شناسی فرهنگی حذفی (از طریق حذف گزینه‌های متولی مسائل و انتخاب مسائل باقی‌مانده)

کد مفهومی	گزاره	کد اولیه
مصاحبه دوم: مصاحبه‌شونده ۴		
	است (مثال: شیوع روزافزون آمار طلاق در اصفهان)؛ (۳) براساس توان شهرداری و اینکه در چه موضوعاتی توان ورود و اجرای مستقیم یا غیرمستقیم را (از طریق واگذاری به بخش خصوصی) داریم.	
۳۲	بین ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه در اختیار سازمان متعلق به موضوعات ابلاغی از بالاست و مابقی متعلق به وقایع و اتفاقات، به فراخور نیازهای روز است.	ابلاغ مسائل از بالادست و فهم مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی به صورت اقتضایی
۳۳	شش موضوع ابلاغی برای سال ۹۵ سازمان عبارتند از: (۱) فرهنگ شهروندی؛ (۲) فرهنگ سلامت؛ (۳) فرهنگ رسانه؛ (۴) فرهنگ خانواده؛ (۵) فرهنگ تفریح؛ (۶) فرهنگ عفاف و حجاب	ابلاغ مسائل از بالادست
۳۴	ما حدود ۳۵ مرکز تخصصی داریم که هر مرکز یک شورای مشورتی برای خود دارد.	مسئله‌شناسی فرهنگی با موضوعات محدود و مشخص
۳۵	برای مشورت درباره شناسایی مسائل با دو دسته افراد کار می‌کنیم: آدم‌های تحقیقی (متخصصان فکری)؛ آدم‌های تحقیقی (افرادی که در حوزه اجرایی فعال هستند).	فهم و تبیین مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی
۳۶	روند ارزیابی پرداختن به مسائل به دو صورت است: مدیران ارشد خود نظارت می‌کنند و بازخورد می‌گیرند. اداره نظارت و ارزیابی و اداره برنامه‌بودجه نظارت و ارزیابی می‌کنند.	بهره‌مندی از نظرات نخبگان علمی و عملی
۳۷	قالب فرهنگ بسیار بزرگ است و محیط فرهنگی به تعبیر رهبری عبارت از هر آن چیزی است که ما با آن سروکار داریم.	مسئله‌شناسی شخصی مدیران
۳۸	برای مسائل ابتدا تدوین سندها صورت می‌گیرد و سپس در اتاق فکرها مطرح می‌شود و برنامه‌ها بسته می‌شود.	استفاده از آمار و ارزیابی‌ها در مسئله‌شناسی
۳۹		تعریف موسع از فرهنگ
۴۰		نگاه عقلانی در تبیین مسائل

۳-۱۲. استخراج مضامین اولیه

در این مرحله ۹۳ کد اولیه در پانزده مضمون اولیه طبقه‌بندی شده است.

جدول شماره (۲). استخراج مضامین اولیه سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری

ردیف	کدهای اولیه	مضامین اولیه	فراوانی
۱	۷۱-۷۷-۸۴-۸۶-۸۹-۹۳-۹-۲۷-۳۶-۴۲-۴۹-۵۷-۶۲	رجوع به نخبگان علمی، عملی، دینی و انقلابی	۱۳
۲	۹۲-۷۸-۵۱-۳۴-۱۲	مسئله‌شناسی منتج به موضوعات چندگانه و کلی	۵
۳	۸۵-۱۰-۲۲-۳۷-۴۴-۶۶-۷۹-۸۰-۸۱	تعیین و طرح مسائل بر مبنای سلاقی و انگیزه‌های شخصی مدیران و جناح سیاسی آن‌ها	۹
۴	۲۵-۶-۵	اولویت‌دهی به نظرات رهبری انقلاب اسلامی در طرح و شناخت مسائل	۳
۵	۸۳-۶۳-۵۶-۵۲-۴۳-۸-۷۲-۹۰	رجوع به خواست و سلاقی مردم و مبنای‌ارزادان نظرات و نیازهای مردم برای طرح مسائل بعدی	۸
۶	۷۴-۶۸-۵۰-۴۷-۳۸-۲۱	مسئله‌شناسی از طریق پیمایش‌های کمی و علمی و بهره‌مندی از نتایج تحقیقات علمی	۵
۷	۶۵-۳۹-۲۹-۱۸-۱۶-۱۵-۹۱-۸۸-۶۷	تعریف موسع و شمولیت عام برای فرهنگ و اولویت‌دادن به مسائل فرهنگ عمومی	۹
۸	۷۳-۳۰-۲۶-۱۳	حاکمیت نگاه فرهنگ شهروندی در پرداختن به مسائل فرهنگی	۴
۹	۸۷-۶۸-۲۰-۱۹	نداشتن الگوی مسئله‌شناسی و ضعف در فهم درست مسائل	۴
۱۰	۴۱-۳۵-۳۳-۳۲-۲۳-۱۴-۸۲-۶۶-۶۰-۵۵-۵۴-۴۶-۴۵	ابلاغ مسائل از نهادها و مدیران بالادستی و فهم و تفسیر مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی به صورت اقتضایی	۱۳
۱۱	۷۰-۶۹-۴۸	حاکمیت نگاه بُعدنگری نسبت به مسائل فرهنگی	۳
۱۲	۷-۴-۳-۲-۱-۷۶-۷۵-۶۱-۴۰-۳۱-۲۴	تلاش برای استفاده از الگوی مفهومی و عقلانی برای مسئله‌شناسی فرهنگی	۱۱
۱۳	۵۹-۱۱	تلفیق دو سازوکار «بالا به پایین» و «پایین به بالا» در مسئله‌شناسی	۲
۱۴	۲۸-۱۷	نگاه خنثی به مسائل فرهنگی	۲
۱۵	۵۳	اصالت و اولویت خدمت فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی	۱

۱۲-۴. کدگذاری تفسیری

در این بخش با اتخاذ رویکردی استقرایی، پانزده مضمون اولیه با تلفیق و تجمع به شش مضمون پایه تقلیل یافته است.

جدول شماره (۳). کدگذاری تفسیری داده‌های سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری

ردیف	مضامین اولیه	مضامین پایه
۱	رجوع به نخبگان علمی، عملی، دینی و انقلابی تعیین و طرح مسائل بر مبنای سلاقیق و انگیزه‌های شخصی مدیران و جناح سیاسی آن‌ها اولویت‌دهی به نظرات رهبری انقلاب اسلامی در طرح و شناخت مسائل رجوع به خواست و سلاقیق مردم و مبنایقراردادن نظرات و نیازهای مردم برای طرح مسائل بعدی مسئله‌شناسی از طریق پیمایش‌های کمی و علمی و بهره‌مندی از نتایج تحقیقات علمی	مسئله‌شناسی فرهنگی پنج‌وجهی نخبه‌محور
۲	ابلاغ مسائل از نهادها و مدیران بالادستی و فهم و تفسیر مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی به صورت اقتضایی تلفیق دو سازوکار «بالا به پایین» و «پایین به بالا» در مسئله‌شناسی	مسئله‌شناسی فرهنگی تلفیقی
۳	حاکمیت نگاه فرهنگ شهروندی در پرداختن به مسائل فرهنگی اصالت و اولویت خدمت فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی نگاه خستی به مسائل فرهنگی	مسئله‌شناسی فرهنگی با عینک مفاهیم «شهروندی»
۴	مسئله‌شناسی منتج به موضوعات چندگانه و کلی حاکمیت نگاه بُعدنگری نسبت به مسائل فرهنگی	طراحی نظام مسائل محدود برای فعالیت
۵	نداشتن الگوی مسئله‌شناسی و ضعف در فهم درست مسائل تلاش برای استفاده از الگوی مفهومی و عقلانی برای مسئله‌شناسی فرهنگی	تلاش برای الگوسازی سیاست‌گذارانه برای مسئله‌شناسی
۶	تعریف موسع و شمولیت عام برای فرهنگ و اولویت‌دادن به مسائل فرهنگ عمومی	بین‌الذهانیت نسبتاً بالا از تعاریف موسع فرهنگ و مسائل فرهنگی

۱۲-۵. یکپارچه‌سازی

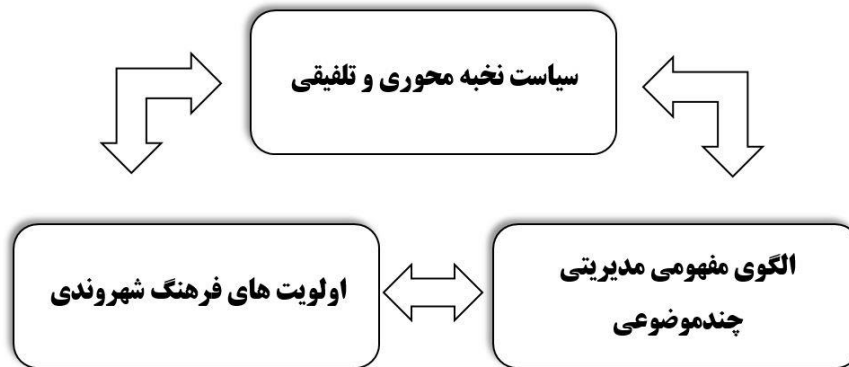
در این مرحله تلاش بر این است که ضمن قراردادادن مضامین پایه در ذیل مضامین محوری، الگوی مسئله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری تبیین و ترسیم شود.

جدول شماره (۴). یکپارچه‌سازی سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری

مضامین پایه	مضامین محوری
مسئله‌شناسی فرهنگی پنج‌وجهی نخبه‌محور مسئله‌شناسی فرهنگی تلفیقی	سیاست نخبه‌محوری و تلفیقی
مسئله‌شناسی فرهنگی با عینک مفاهیم «شهروندی» بین‌الذهانیت نسبتاً بالا از تعاریف موسع فرهنگ و مسائل فرهنگی	اولویت‌های فرهنگ شهروندی
طراحی نظام مسائل محدود برای فعالیت تلاش برای الگوسازی سیاست‌گذارانه برای مسئله‌شناسی	الگوی مفهومی مدیریتی چندموضوعی

۱۲-۶. نتیجه پژوهش، تبیین الگو

تعیین مسائل فرهنگی در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان مطابق تحلیل‌های صورت‌گرفته از پنج وجه اصلی پیروی می‌کند و هر موضوع یا مسئله فرهنگی وقتی در دستورکار قرار می‌گیرد که در پنج عنصر، نسبت به آن اتفاق نظر وجود داشته باشد؛ یا دست‌کم یکی از این عناصر تأکید بلیغ و پیگیرانه‌ای نسبت به آن مسئله داشته باشد. پنج فیلتر اصلی مسئله‌شناسی در این سازمان عبارتند از: نخبگان علمی، عملی، دینی و انقلابی، سلاقی و انگیزه‌های شخصی مدیران و جناح سیاسی آن‌ها، نظرات رهبری انقلاب اسلامی در طرح و شناخت مسائل، خواست و سلاقی مردم و مبنای قراردادن نظرات و نیازهای مردم برای طرح مسائل بعدی و درنهایت پیمایش‌های کمی و علمی و بهره‌مندی از نتایج تحقیقات علمی.

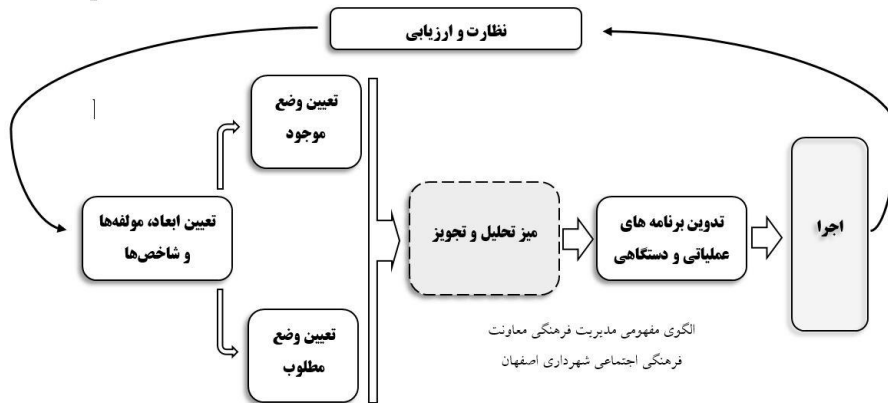


نمودار شماره (۳). مسئله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری

مطابق تحلیل صورت گرفته، در این سازمان هرکدام از پنج فیلتر مسئله‌شناسی فرهنگی، وزن و تعیین‌کنندگی متفاوتی دارند؛ هرچند در ظاهر و به گفته کارشناسان و مدیران ممکن است یک عنصر، مثل بیانات و نظرات رهبری انقلاب اسلامی عامل اولی و اصلی باشد، اما آنچه در عمل رخ می‌دهد و بدنه اجرایی سازمان از صدر تا ذیل خود را ملزم و دغدغه‌مند نسبت به آن می‌دانند، ظاهراً وجه دیگری است که در این تحقیق به استناد مشاهده‌ها و بررسی‌های صورت گرفته، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان در امر مسئله‌شناسی فرهنگی، سازمانی نخبه‌محور با رویکردی تلفیقی فهم می‌شود.

در این سازمان گفتمان و بین‌الذهانیت خاصی پیرامون رجوع متعده به نخبگان و مدنظر قراردادن نظرات و دیدگاه‌های افراد باتجربه و علمی برقرار است و بدنه مدیریتی سازمان بسیار خود را نیازمند نخبگان دینی، علمی و انقلابی می‌داند؛ به طوری که در جای‌جای فعالیت‌های سازمان این گفتمان رسوخ پیدا کرده است و دیده می‌شود. به علاوه نظام این سازمان در فهم، کشف و شناخت مسائل فرهنگی تلفیقی است؛ یعنی هم از بالادست سازمان مسائلی فهم می‌شود و به پایین دست ابلاغ می‌شود و هم از پایین دست و براساس تجربه عملیاتی صورت گرفته، مسائلی شناسایی و برای گنجاندن در ابلاغیه‌ها به بالادست ارسال می‌شود؛ البته نگاه بالا به پایین در این سازمان از فشار و قدرت بیشتری برخوردار است؛ بدین معنا که حجم داده‌های انتقالی از بالا به پایین و تحکم برای اجرای

آن‌ها بسیار بیشتر از حجم داده‌های ارسالی از پایین به بالاست.

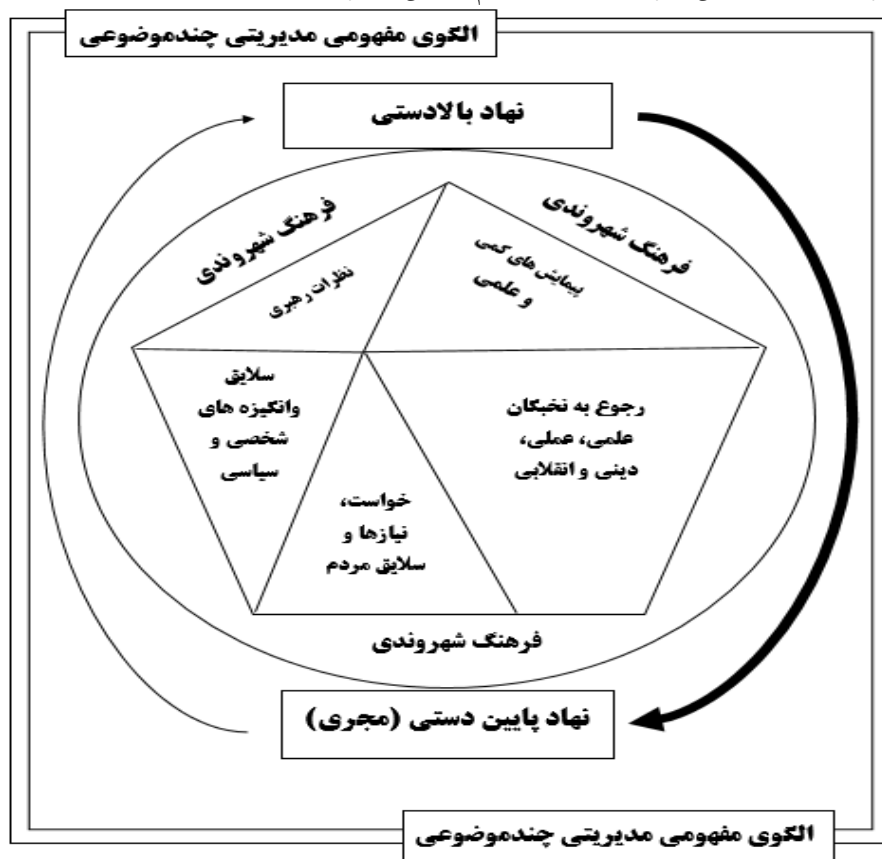


نمودار شماره (۴). شبکه مضمونی مسئله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان حاصل از یافته‌های تحقیق

در حال حاضر در این سازمان و از سوی معاونت، الگویی با عنوان «الگوی مفهومی مدیریت فرهنگی» تدوین شده است. مطابق این الگو برای هر ایده، فعالیت و مسئله فرهنگی که در دستورکار و فعالیت قرار می‌گیرد، باید مقدماتی طی شود تا به مرحله اجرا برسد. ابتدا باید ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها تعیین شود، سپس با یک منطق استدلالی و علمی وضع موجود و نیز وضع مطلوب ترسیم و بسته کاملی تهیه شود. این بسته آماده‌شده به میز تحلیل و تجویز آورده می‌شود و پس از یک سلسله بررسی‌های خاص و نظرخواهی از نخبگان مربوطه، برنامه‌های عملیاتی و دستگاهی در این مرحله تدوین و برای اجرا ابلاغ می‌شود. متولی اجرا نیز سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و معاونت‌های فرهنگی اجتماعی مناطق شهرداری اصفهان هستند و پس از اجرا و گذراندن مراحل نظارت و ارزیابی، دومرتبه این چرخه به حرکت می‌افتد و مبتنی بر آنچه در واقع صورت گرفته است، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مسائل جدید تعیین می‌شود. این الگو تقریباً شکل یافته، بسته‌شده و تثبیت شده است و می‌توان گفت حلقه مسئله‌شناسی فرهنگی سازمان را به گونه‌ای مطلق احاطه کرده است.

جنبه حائز اهمیت دیگر در الگوی مسئله‌شناسی فرهنگی این سازمان، اتمسفر حاکم بر فهم مسائل فرهنگی در میان فعالان، مدیران و کارشناسان سازمان است. این اتمسفر در

جای‌جای سازمان دیده می‌شود و به‌نوعی تبدیل به عینکی شده است که تعریف فرهنگ و بالتبع نگاه به مسائل اولویت‌دار فرهنگی را برای تمامی یا دست‌کم طیف وسیعی از فعالان این سازمان شکل می‌دهد و این عینک، نگاه به مقوله فرهنگ، تفریح و هنر با عینک تعاریف شهر و شهروندی است؛ بدین معنا که تعریف اولویت‌دار فرهنگ و مسئله فرهنگی در این سازمان بیش از هر چیز، قرابت خاصی با تعاریف فرهنگ شهروندی دارد و مدیران این سازمان هر چیزی را با نگاه فرهنگ شهروندی می‌نگرند یا حداقل سعی در برقراری ارتباط با این تعریف، بُعد و مفهوم خاص از فرهنگ دارند.



نمودار شماره (۵). الگوی مفهومی مدیریت فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال آن بود که ضمن تشریح و تبیین ادبیات نظری و علمی مسئله‌شناسی فرهنگی و جایگاه آن در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، با رویکردی کاربردی و با نگاه به وضعیت موجود، به یک سازمان فرهنگی شهری در جمهوری اسلامی ایران رجوع کرده و به بررسی الگوهای مسئله‌شناسی در سازمان مذکور بپردازد. از آنجاکه در دوره کنونی، ورود جدی شهرداری‌ها به عرصه فعالیت‌های فرهنگی شهری را شاهدیم و بی‌شک یکی از پرتأثیرترین سازمان‌های فرهنگی که در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تفریحی کلان‌شهرها نقش‌آفرینی می‌کنند و هم‌زمان دست به سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت می‌زنند، سازمان‌های فرهنگی زیرمجموعه شهرداری‌ها هستند، ما با انتخاب سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان سعی بر این داشتیم که به شناخت، توصیف و ارائه دقیقی از فرایند مسئله‌شناسی فرهنگی در این سازمان دست یابیم و به دنبال آن بتوانیم الگویی برای نظام تدوین، صورت‌بندی و دستورکارکردن مسائل در فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی ترسیم کنیم.

بدین‌منظور براساس تجربه و نوع نگاه مدیران و کارشناسان آن سازمان، الگویی مفهومی پیشنهاد شد. این الگوی سه‌وجهی نشان می‌دهد در این سازمان فرهنگی نوع نگاه به مسائل فرهنگی چگونه شکل می‌گیرد و چطور بدان نگریسته می‌شود. همچنین یک الگوی مفهومی مدیریتی پنج‌وجهی ترسیم شد و بررسی‌ها نشان داد تعیین تمامی مسائل فرهنگی در این سازمان، از این پنج وجه دنباله‌روی می‌کند.

با مروری که بر پژوهش‌های مختلف در این حوزه صورت گرفت و در این پژوهش به چند مورد از آن‌ها اشاره شد، این نکته دریافت می‌شود که توجه به مسئله‌شناسی به‌عنوان مهم‌ترین و شاید تنها حلقه واسط بین نظریه فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی، همواره مورد غفلت بوده است. درباره سازمان‌های فرهنگی شهری و لزوم اتخاذ مسائل واقعی و دقیق در آن‌ها و قرارگیری این مسائل به‌عنوان مبنای فعالیت و صرف امکانات مادی و معنوی باید گفت که با بررسی صورت‌گرفته از سازمان مورد مطالعه، دریافت می‌شود که به‌رغم احساس نیاز جدی این سازمان‌ها به وجود الگو و منطقی دقیق برای مسئله‌شناسی و اولویت‌دهی به مسائل فرهنگی توسط آن‌ها، تاکنون اقدامی جدی و

الهام‌بخش در هیچ‌کدام از این سازمان‌ها صورت‌نپذیرفته است. به تعبیری عملیاتی‌سازی فرهنگ برگرفته از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سطح جامعه، پیش از هر چیز در چرخه سیاست‌گذاری خود‌نیازمند مسئله‌شناسی مبتنی بر نظریه فرهنگی ایرانی - اسلامی است. متأسفانه در کشور ما و پژوهش‌های حاضر به این حلقه مفقوده توجه شایانی نشده است. در این تحقیق سعی بر این بود که روی این مطلب به‌طور خاص و دقیق تمرکز شود؛ به‌علاوه تحقیقات موجود بیش از هر چیز جنبه‌های ملی داشته و به بررسی حوزه‌های کلان فرهنگ پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که با بررسی موارد عینی سازمان‌ها و ساختارهای فرهنگی کشور، به ارائه الگو بپردازد. یکی از وجوه متمایز این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام‌شده، در بررسی میدانی و واقعی یک سازمان فرهنگی است که با کارویژه مطالعه الگوهای مسئله‌شناسی فرهنگی در این سازمان به دنبال توصیف بخشی از واقعیت‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور است.

یک پیشنهاد ابتدایی در این زمینه این است که در کنار بالادست هرکدام از سازمان‌های فرهنگی، باید اتاق مسئله‌شناسی با ابزارهای مختلف کمی و کیفی قرار گیرد، هرچند در حال حاضر تمامی این سازمان‌ها در معاونت‌ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی خود سعی بر این کار یا حداقل چیزی مشابه آن را دارند، اما به‌طورخاص در زمینه مسئله‌شناسی فرهنگی هیچ فرد آموزش‌دیده، الگو یا علم و ابزار مشخصی در اختیار نیست و این تحقیق و تحقیقات مشابه با ترسیم فضای مربوطه، گامی برای مهیاسازی این پیشنهاد است.

کتابنامه

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی*، مترجم: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، *سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۶۲)، پژوهش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۹۰)، *فرهنگ‌شناسی*، تهران: قطره.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- خدایی‌مهر، محمدمهدی (۱۳۹۲)، *مسئله‌یابی در سیاست‌گذاری سازمان‌های فرهنگی*، مورد مطالعاتی: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: واحد پایان‌نامه‌های دانشگاه امام صادق (ع).
- رازنهان، فیروز (۱۳۸۸)، «فرهنگ در آینه سند چشم‌انداز (مصاحبه)»، نشر سوره، شماره ۴۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سرایبی، حسن (۱۳۷۳)، «تحقیقات علمی، مطالعات کارشناسی و توسعه علمی»، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی، ج اول، تهران: انتشارات سمت.
- صالحی‌امیری، رضا (۱۳۸۷)، *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طرقی، مجید (۱۳۸۴)، *درس‌نامه روش تحقیق*، قم: مرکز نشر هاجر.
- عابدی جعفری، حسین؛ تسلیمی، محمد؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰).
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴)، گزارش نشست علمی *(مسئله چیست؟ مسئله‌شناسی فرهنگی با رویکرد مطالعات فرهنگی)*، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- فولادی، حفیظ‌الله (۱۳۷۸)، «مسائل اجتماعی»، *مجله معرفت*، شماره ۳۰.
- کمال، عباسعلی (۱۳۹۶)، «تحلیل انتقادی مبانی انسان‌شناختی نظریه «انگیزه خدمت‌رسانی عمومی» مبتنی بر اندیشه علامه طباطبایی، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد*، دانشگاه امام

صادق(ع)، تهران، ایران.

کوهن، تامس (۱۳۶۹)، *ساختار انقلاب‌های علمی*، مترجم: احمد آرام، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
گال، مردیت و دیگران (۱۳۸۲)، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، مترجم: احمدرضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات سمت.

لوزیک، دانیلین (۱۳۹۴)، *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، مترجم: سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.

لیندلو، تامس؛ برایان، تیلور (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*، مترجم: عبدالله گیویان، تهران: انتشارات همشهری.

ماری جو، هج؛ کانلیف، ان.ال (۱۳۸۹)، *نظریه سازمان: مدرن، نمادین - تفسیری و پست‌مدرن*، مترجم: حسن دانایی‌فرد، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

مشبکی، اصغر؛ خادمی، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، «بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال نهم، شماره ۴.

ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۰)، «اطلاع‌رسانی و مسائل اجتماعی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۶، بهار.

الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷)، *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

وحید، مجید (۱۳۸۱)، «بررسی فرایند شکل‌گیری و قرارگیری مشکل در عرصه عمومی و دستورکار سیاست‌گذاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۷.

ویمر، راجر دی؛ دومینیک، جوزف آر (۱۳۸۴)، *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، تهران: انتشارات سروش.

یوسفی، علی (۱۳۹۰)، «تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، شماره ۱.

Ann Majchrzuk, (1984), *Methods for Policy Research*, (London: Sage Publications: 11.

Babbie E. (2002), *The basic of social research*, Belmont, Calif, London: Wadsworth/Thomason Learning.

Dunn, W. N. (2004), *Public Policy Analysis: An Introduction*, Prentice Hall.

Dunn, William, (1994), *Public policy Analysis: An Introduction*, Prentice Hall.

Kevin V. Mulkahy (2017), *Public Culture, Cultural Identity, Cultural Policy (Comparative Perspectives)*, Louisiana State University School of Political Science.

Merton R. (1965), *Notes on Problem-Finding in Sociology in Sociology Today*, NewYourk, Free Press.

Poper, K. (1999), *All life is problem solving*, Routledge.

Rwomire, A. (2001), *Social Problems in Africa: New Visions*, Westport, Conn: Praeger.